

## جامعه‌شناسی تاریخی نظام خانواده در ایل قشقایی

اعظم رحیمی جابری\*

### چکیده

نظام عشایری قشقایی دارای تاریخی کهن است که در جهت شرایط زندگی کوچ‌نشینی شکل گرفته است. خانواده، کوچکترین واحد اجتماع و هسته اصلی ایل است که نظام طبقاتی حاکم بر آن در امر ازدواج، نقش مهمی ایفا می‌کند. مرد دارای اقتدار و تصمیم‌گیرنده نهایی است و زن نیز در عین تابعیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت امور خانواده دارد. خانواده به ظاهر مستقل، اما نفوذ گروه‌های خویشاوند در ابعاد و جنبه‌های مختلف آن کاملاً مشهود است. در این پژوهش، سعی شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، نهاد خانواده در ایل قشقایی از منظر تاریخی بررسی شود. این مطالعه نشان می‌دهد خانواده در نزد ایل قشقایی از لحاظ ساختاری، گسترده، تک همسر، پدر سالار و درون همسر(ازدواج درون‌گروهی) است. **کلید واژه‌ها:** ایل قشقایی، کارکردهای خانواده، ازدواج، خویشاوندی، زن.

### ۱- مقدمه

نهاد خانواده در نزد ایل قشقایی، اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و هسته‌ی اصلی جامعه ایلی را تشکیل می‌دهد که در بقاء و ادامه‌ی حیات این جامعه اهمیت و نقش بسزایی دارد. خانواده، به ظاهر مستقل است ولی تحت تسلط واحد وسیع‌تری مانند بنکو، تیره، طایفه و غیره قرار دارد. افزون بر این، آداب و رسوم در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده وجود دارد که این، آداب و رسوم و فرهنگ و تمدن ایل، ارتباطی تنگاتنگ با نظام خانوادگی آنها دارد. بنابراین بررسی جامعه‌شناسی خانواده در ایل قشقایی کوچ‌نشین، به سبب اطلاعاتی که بدست می‌دهد، می‌تواند در حوزه تحقیقات تاریخ اجتماعی بسیار مفید باشد و با مطالعه

\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه شیراز rahemejabere@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱

این نوشته‌ها می‌توان به الگوهای زندگی عشایر کوچ نشین و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر پی برد.

خانواده واحدی چند ساختی است. بدین معنا که از ابعاد اقتصادی، روانی، حقوقی و جامعه‌شناختی برخوردار است. در این پژوهش، بعد جامعه‌شناختی خانواده ایل قشقایی از منظر تاریخی و مرتبط با زمانی که زندگی چادر نشینی داشته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است و مباحث اصلی آن، اهمیت نظام خانواده و فلسفه تشکیل آن، پدیده ازدواج-که نخستین گام در تشکیل خانواده است- و مسائل مربوط به آن از جمله معیارهای انتخاب همسر، سن ازدواج و شیربها، انواع ازدواج و ابعاد اجتماعی آن و همچنین، کارکردهای خانواده، خانوادگی و انواع آن، روابط خانوادگی و خویشاوندی، ارث، نقش زنان و مسأله طلاق می‌باشد.

در این تحقیق سوالاتی به این شرح مطرح است: عوامل موثر در تشکیل خانواده، چه بوده است؟ ویژگی همسر ایده‌آل در نزد مردم قشقایی چیست؟ افراد در خانواده از چه حقوقی برخوردارند و یا ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر چگونه است؟ ابعاد اجتماعی ازدواج چیست؟ موقعیت زنان ایل چگونه است؟

تاکنون تحقیقی مستقل و جامع درباره جامعه‌شناسی تاریخی خانواده در ایل قشقایی صورت نگرفته است. با این حال تحقیقات ارزنده قابل توجهی درباره ایل قشقایی به طور کلی، نوشته شده است که از لابه لای مطالب آنها می‌توان اطلاعاتی درباره ایل بدست آورد. از پژوهش‌های انجام گرفته در این باره باید از کتاب "کوچ نشینان قشقایی فارس" اثر پی‌یر اوبرلینگ (Oberling) (۱۳۸۳)، و نیز کتاب "عشایر جنوب"، نوشته میخائیل سرگی یوویچ ایوانف (Ivanov) (۱۳۸۵) نام برد. اگرچه در این کتاب‌ها بیشتر به تحولات تاریخ سیاسی ایلخانی قشقایی پرداخته شده است، ولی اطلاعات اجتماعی خوبی از آنها، بدست می‌آید.

این پژوهش از نوع پژوهش‌های تحلیلی-تاریخی است که با استفاده از روشهای مطالعه کتابخانه‌ای و نیز مطالعه میدانی انجام یافته است.

## ۲. جامعه‌شناسی خانواده

جامعه‌شناسی خانواده به مطالعه نهادهای خانواده و خویشاوندی و ازدواج، بررسی تاریخ تکوین تحول آنها و کشف و بیان قانونمندی‌های حاکم بر حرکت و دگرگونی‌های

نهادهای مذکور در طول تاریخ (تقوی، ۱۳۷۹: ۲-۳). روابط درون خانواده (اعم از روابط بین والدین و فرزندان)، روابط میان خانواده و جامعه، نقش خانواده در نظارت اجتماعی، قدرت اجتماعی و سرنوشت اجتماعی توجه دارد (سگالن، ۱۳۷۷: ۳۱۶، منادی، ۱۳۸۵: ۳۴).

### ۳- روند تاریخی ایل قشقایی

مهاجرت ایل قشقایی از نواحی شمال غربی و مرکزی ایران به خطه فارس یکباره و همزمان صورت نگرفته است، گروه‌های مختلف قشقایی در زمان‌های مختلف و از اماکن مختلفی به فارس کوچیده و ایل قشقایی را بنیاد نهاده‌اند. از اینرو نمی‌توان سعی در اینکه تمامی اجزا و عناصر اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی امروزی را دارای اصل و ریشه مشترک دانست و نتیجه گرفت که ایل در زمان معینی و از مکان مشخص (خواه قفقاز، ترکمنستان و خواه آسیای صغیر و افغانستان) با یک ساخت فرهنگی مشخص و یکپارچه به ایران و فارس آمده باشد (صولت قشقایی، ۱۳۶۶: ۱۲).

هویت مشخص و مستقل ایل قشقایی از اواخر صفویه قتل شناسایی است. اما از اوایل سلطنت قاجاریه این ایل به تدریج نقش مهمی در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران ایفا می‌کند. در منابع پیش از دوره قاجار از ایل قشقایی به عنوان یک اتحادیه ایلی منسجم و قوی که در تحولات کشوری و منطقه‌ای تأثیر گذار باشد یاد نمی‌شود. البته نام قشقایی و برخی شخصیت‌های سرشناس آن در منابع آخر دوره تیموری، صفوی، افشار و زند به چشم می‌خورد. قدیمی‌ترین منبعی که در آن به نام "قشقایی" بر می‌خوریم اثر تاج‌الدین حسن شهاب یزدی، جامع‌التواریخ در احوال بازماندگان تیموری، می‌باشد (شهاب یزدی، بی تا: ۷۳).

برخی ادعا دارند "نام ایل قشقایی از زمانی به عنوان یک واحد سیاسی، اجتماعی و یک نیروی متحد وارد تاریخ می‌شود که امیر قاضی شاهیلو قشقایی (که او را معاصر شاه اسماعیل صفوی می‌دانند) گروه‌های متعددی از ترکان را در ایل خود جمع کرده و بر آنان ریاست می‌نماید و وی اولین ایلخانی قشقایی می‌باشد که نامش در تاریخ ثبت شده است" (قهرمانی ابیوردی، ۱۳۷۳: ۲۴؛ پیمان، ۱۳۷۴: ۱۰) و یا اینکه "کریم خان زند به اولین ایلخانی قشقایی، جانی آقا، فرمان ایلخانی گری اعطا کرد" (کیانی، ۱۳۸۵: ۴۹)؛ لیکن منابع این ادعاها را تأیید نمی‌کنند. +

خانواده‌ی شاهیلو منصب ایلخانی و ایل بیگی قشقایی را به طور موروثی در اختیار داشته، اما در منابع پیش از زندیه به طور مشخص ذکری اط آن به میان نیامده است. بنا به روایت خانوادگی شاه اسماعیل یا شاه صفوی دیگری یکی دو تن از اجداد آنان را به عنوان حاکم فارس و نیز کمک به جلوگیری از اشغال منطقه توسط پرتغالی‌ها به فارس فرستاد. یا اینکه جان محمد آقا (جانی آقا) که گفته می‌شود شش نسل بعد از امیر قاضی شاهیلو می‌زیسته است، بنیانگذار اتحادیه ایل قشقایی است، اما تنها با اسماعیل خان و حسن خان فرزندان جانی آقا است که مدارک مستند دقیق از این خانواده آشکار می‌شود (Beck, 1986: 46-47). در تاریخ خاندانی به نام‌های خطاب به کریم خان زند از طرف محمد اسماعیل خان قشقایی (فرزند جانی آقا) و چند نفر دیگر اشاره می‌شود که خود را به عنوان وارث و خویشاوندان "جانی قشقایی" معرفی کرده‌اند و از کریم خان درخواست دارند به آنان اجازه داده شود از تبعید خراسان به سرزمین‌های اصلی خود در منطقه وردشت و سمیرم بازگردند و کریم خان نیز در ظاهر نامه ضمن تایید این امر، املاک مذکور را به قشقایی‌ها متعلق دانسته است (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۳۷). اندکی بعد از این، کریم خان زند به اسماعیل خان، لقب ایل بیگی کهگیلویه و مملکت فارس و دارالسلطنه اصفهان داد (Beck, 1986: 49). اسماعیل خان در دربار کریم خان فردی بسیار محترم و منتفد بود (آصف، ۱۳۵۲: ۳۳۸). با سقوط زندیه، آقا محمد خان قاجار با اتکا به نیروی نظامی ایلات وفادار به خود دست به سرکوب روسای ایلات نافرمان زد و بسیاری از قبایل و ایلاتی که از نواحی غربی توسط شاهان زند به فارس آورده شده بودند پراکنده ساخت. آقا محمد خان همچنین شمار زیادی از خانواده قشقایی را به اجبار به نواحی مرکزی و شمالی ایران کوچاند (تاپر، ۱۳۸۷: ۵۲۴). در این زمان از شخصیت‌های عمده‌ی خانواده شاهیلو، جانی خان قشقایی (فرزند اسماعیل خان) بود که آقا محمدخان او را به همراه خانواده و برخی قشقایی‌های دیگر به داخل کوه‌های بختیاری راند (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۳). با این حال در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار، توسط حاجی میرزا رضاقلی نوایی وزیر ایالت فارس، جانی خان قشقایی، "ایل بیگی فارس را به لقب جلیل ایلخانی سرافزار نمود و محمد علی خان، پسر او را ایل بیگی نمود" (فسایی، ۱۳۶۷/۲: ۱۲۳۴)، ایلخانی‌گری جانی خان، منحصر به ایل قشقایی نبود، بلکه ایلخانی کل فارس بود (قهرمانی ابیوردی، ۱۳۷۳: ۸۰). در واقع باید گفت شکل‌گیری ایل قشقایی در غالب یک اتحادیه ایلی منسجم و تحت ریاست متمرکز خانواده شاهیلو از دوره سلطنت فتحعلی شاه و با ایلخانی‌گری جانی خان آغاز می‌

شود به طوری که امروزه در میان اهالی و سران ایل قشقایی، جانی خان به عنوان بنیانگذار واقعی ایل قشقایی شناخته شده است.

#### ۴- ساخت سیاسی - اجتماعی ایل قشقایی

در میان قشقایی ها، سه سطح سازمان بندی سیاسی و اجتماعی وجود داشت که عبارت بود از: تیره، طایفه و ایل. یک تیره قشقایی کوچکترین واحد سیاسی دارای رهبری رسمی بود که با اتفاق نظر گروه انتخاب و به وسیله خوانین طایفه که تیره نیز به نوبه خود بخشی از آنان بود، در مقام خود تثبت می شد هر تیره مرکب از دو یا چند دودمان مدعی اصل و نسب مشترک بودند. این دودمانها را به ترتیب اوبا یا بیله (oba, beyle) و بنکو (bonku) می نامیدند. در واقع اوبا یا بیله به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی مجموعه ای از چند خانوار خویشاوند (و معمولا هم تبار) سیاه چادر نشین بودند که در یک محل و تحت سرپرستی یکی از اعضای ریش سفید محترم خود زندگی می کردند خانوارهای هر اوبا معمولا بین ده تا سی چادر متغیر بودند و در بیلاق و قشلاق همسایگان بسیار نزدیک همدیگر به شمار می آمدند. در ایل قشقایی به این واحد، احشام (یا به لفظ محلی ایشوم) نیز می گفتند (آیت الهی، ۱۳۷۵: ۵). بنکو نیز اجتماعی از چند خانوار بود که در منطقه محدود داخل مراتع خود مستقر می شدند (امیری، ۱۳۸۲: ۵۳۰). هر دو واحد اوبا و بنکو غالبا مشابه یکدیگر بوده و تقریبا به لحاظ بعد خانوارهای آن با هم متفاوت بودند، به همین خاطر برخی از پژوهشگران آنها را یک واحد به حساب می آورند (ابرینگ، ۱۳۸۳: ۷). یک طایفه قشقایی از مجموعه ی تیره های زیادی تشکیل می شد که به وسیله یک از خانواده خوانین، با لقب کلانتر اداره می گشت. تیره های تشکیل دهنده یک طایفه دارای خاستگاه های متفاوتی بودند و هویت مستقل گروه خود را در میان طایفه حفظ می کردند. طایفه نیز از طریق رهبری مشترک، مجاورت ارضی و معیارهای فرهنگی خاص خود نوعی هویت مشخصی برای اعضای طایفه خود می بخشید. طایفه همچنین به عنوان یک واحد پیوند زناشویی بسته نیز محسوب می شد و افرادی که مایل به ازدواج با اعضای تیره خود نبودند، معمولا با اعضای طایفه خود ازدواج می کردند. ایل نیز به عنوان، بزرگترین واحد منسجم است که از مجموع تعدادی طوایف تشکیل می گردد و زیر نظر یک ایلخان و ایل بیگی اداره می شود (امان اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۶۱). ایلخان طبق اصول وراثت انتخاب می شد (ورهرام، ۱۳۶۷: ۱۳۰).

## ۵- خانواده در ایل قشقایی

### ۱-۵- اهمیت نظام خانواده

نظام ایل قشقایی بیشتر بر خانواده‌ها و اصالت آنان تکیه داشت. خانواده در بین کوچ نشینان، کوچکترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی است که اعضای آن زیر نظر یک سرپرست - که معمولاً یک مرد است - فعالیت می‌کنند. بطور کلی اعضای یک خانواده که زیر یک چادر زندگی می‌کنند از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند و رابطه بین آنها بر اساس خویشاوندی نسبی و سببی استوار است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۲۹). نهاد خانواده بسیار تأثیر گذار و منتقل‌کننده ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر است.

تشکیل خانواده در بین ایل قشقایی؛ داشتن فرزندان شایسته و بخصوص اولاد ذکور برای آنها اهمیت زیادی دارد، زیرا از نظر اقتصادی به عنوان یک نیروی انسانی نقشی بزرگ دارند و از نظر سیاسی و نظامی، خانواده‌ای که چند پسر داشته باشد، یک نیروی قدرتمندی در برابر مخالفان هستند. پسر در ایل قشقایی مقام و مرتبتی بالاتر از دختر دارد. قشقاییها معتقدند اولاد ذکور عامل بقای انسان است و فرزند دختر متعلق به دیگران است، اما پسر، اولاد پدر و مادر است. نود درصد ازدواج‌های دوم در ایل فقط به جهت داشتن اولاد یا اولاد ذکور است. (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۵-۲۷۷).

چون روابط جنسی در ایل با غیر از زن مشروعه عملی زشت و ننگین و گناهی بزرگ به شمار می‌آید مردم ایل وظیفه شرعی خود می‌دانند که تن به ازدواج دهند. به همین دلیل فحشا در عشایر تقریباً به طور مطلق ناشناخته است و متجاوزین به مجازات مرگ می‌رسند که بدتر از قتل محسوب می‌شود (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

در ایل چه پسر و چه دختر در خانه پدر، حدود اختیاراتشان محدود است و استقلال فکری و عملی کم دارند. اما با تشکیل خانواده، پایگاه جدید برای آنها استقلال بوجود می‌آورد؛ زندگی کوچ نشینی طوری است که مرد تنها نمی‌تواند زندگی کند، غذا پختن، تهیه نان، دوشیدن دام، مهمانداری کردن همه از کارهای زنان است. از دیگر موارد تأثیر گذار در تشکیل خانواده، اعتقاد به حفظ دودمان (روشن ماندن اجاق خانواده) است (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۰۲-۱۰۵).

## ۵-۲- ازدواج

در ایلات و عشایر ازدواج صرفاً پیوند دو فرد نیست، بلکه پیوند دو گروه اجتماعی است. در گذشته رضایت و موافقت خان یا کلاتر در ازدواج دختران و پسران لازم بود. ازدواج از دیدگاه جامعه ایلی واجب و لازم و مجرد بودن گناه است. ازدواج فقط از طریق خواستگاری و اراده پدر و مادر انجام می گیرد (همان: ۱۰۲). در میان ایل قشقایی داماد قبل از ازدواج با عروس ارتباط زیادی ندارد. دیدن و پسندیدن دختران ایلی در گذشته منحصر به مجالس عروسی یا مهمانی ها و یا هنگام کوچ بوده است، (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۵ و ۱۶۰). در ایل قشقایی بر خلاف خانواده های سایر ایلات ایران، به سنت تک همسری وفادار بوده اند و به همین دلیل، اعضای این خانواده همواره متحد بودند. (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۲۶۸) و حتی ایلخانان هم با وجود قدرت و ثروت، از داشتن حرمسرا و حتی تعدد زوجات پرهیز می کردند (هولتوس، ۱۳۶۶: ۲۱۴). زنان بیوه در ایل قشقایی به ندرت ازدواج می کنند این قاعده به ندرت نقض می شود و عمدتاً در مواردی است که پس از شوهر متوفی از او برادری مانده باشد که مایل به ازدواج با بیوه برادر متوفی خود باشد اما با این وجود در برخی از طوایف ایل قشقایی رسم ممنوعیت ازدواج زنان بیوه به شدت رعایت می شود (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۶).

## ۵-۲-۱- معیارهای انتخاب همسر و سن ازدواج

هر فردی با توجه به شرایط و گرایش های ذهنی خود ملاک هایی در انتخاب همسر دارد. جوانان ایل در انتخاب دختر، به اصالت و نجابت، سلامت جسمانی دختر و مهارت در خانه داری و هنر بافندگی که افتخاری بزرگ برای یک دختر محسوب می شود، توجه دارند. در امر ازدواج مسئله شخصیت خانوادگی را بیش از هر چیز در نظر می گیرند زیرا سیستم طبقاتی ایل قشقایی بیشتر بر وراثت و اصالت خانواده تکیه دارد تا به ثروت و مکتب. انتخاب همسر باید در همان طبقات خاص خود باشد (امان الهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۰۶). از دیگر ویژگی های همسر، مسئله مذهب است دختری که انتخاب می کنند باید مسلمان و شیعه مذهب باشد (کیانی، ۱۳۷۶: ۳۳۷). از اهداف سیاسی در ازدواج میان رهبران ایلات و طوایف با یکدیگر می توان به کسب حمایت طوایف دیگر، تحکیم همبستگی و کسب موقعیت ممتازتر اجتماعی اشاره کرد. جانی خان، ایلخان قشقایی با برقراری

پیوندهای زناشویی با سران دیگر طوایف توانست اتحاد آنان را به خود جلب کند. پس از مرگ جانی خان در سال ۱۳۳۹ق "فرزندان او بر حسب فرمان حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس مکتی تمام بدست آوردند" (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۸۳). پسر ارشد جانی خان، محمد علی خان قشقایی به لقب ایلخانی سرافراز و در سال ۱۲۴۱ق به دامادی شاهزاده حسینعلی میرزا، فرمانروای فارس "قرین افتخار گشته، دختر خجسته اختر نواب معزی الیه را در عقد ازدواج خود درآورد" (فسایی، ۱۳۶۷/۲: ۱۲۴۱). این پیوند زناشویی بین ایلخانی و فرمانروای فارس در نفوذ ایلخان به ایلات فارس بسیار تاثیر گذار گشت. خوانین بختیاری نیز با اهداف سیاسی با خاندان ایلخانی قشقایی پیوند زناشویی برقرار کردند (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۶۸).

تفاوت سن زن و مرد ایلی تقریباً زیاد و گاهی هم تا ۲۰ سال یا بیشتر می رسد. در هر حال سن مرد همیشه بیشتر از زن است. ممکن است از بدو تولد دختری را به نامزدی پسری طبق رسوم محلی «ناف بر» شود (همان: ۲۶۸). قشقایی‌ها به ندرت دختر زیر شانزده سال را شوهر می دهند (Garrod, 1946: 303).

#### ۵-۲-۲- شیربها

باشلق (شیربها) یعنی پول یا اموالی که از طرف خانواده داماد به پدر عروس داده می شود و تا زمانی که خانواده های زوجین در مورد میزان آن توافق نکنند ازدواج صورت نمی گیرد (امان الهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۰۷). شیربها به عنوان پدیده‌ی اجتماعی کارکردهایی دارد که در شکل گیری، تثبیت و دوام خانواده‌ی عشایری نقش به سزایی دارد. از جمله کارکردهای شیربها؛ جبران خلاء عزیمت دختر از خانواده پدر، ادای احترام داماد به عروس و خانواده‌ی او و تهیه‌ی جهیزیه برای عروس است (طیبی، ۱۳۷۱: ۲۲۵). عواملی مؤثر بر میزان شیربها: نوع ازدواج (شیربها در ازدواج درون همسری کم تر از برون همسری است)، وضع اقتصادی و منزلت اجتماعی خانواده‌ی دختر و سن و زیبایی دختر است. از دیگر عوامل اینکه، میزان شیربها میان اقوام پدری کم تر از اقوام مادری است و یکی از راههای جایگزین نمودن شیربها کار رایگان داماد برای پدر زن و یا مبادله‌ی خواهران با یکدیگر (گاو به گاو) است (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۸-۲۷۹). گارود مقدار شیربها را بستگی به وضعیت مالی داماد می داند و گزارش می دهد؛ دامادی که دارایی اش حدود سه هزار تومان برآورد می شود، باید هفتصد تومان باشلق دهد؛ آنکه صاحب سی هزار تومان است،



حدود سه هزار تومان و الی آخر، قرارداد ازدواج، توافق شفاهی در حضور شاهدان است (Garrod, 1946: 303).

نوع اموالی که بابت باشلق می گیرند، شامل وجه نقد، گوسفند، شتر، اسب و غیره می باشد، اما امروزه بیشتر به صورت پول نقد پرداخت می شود. باشلق یا شیربها در اصل همان مهریه است که قبلاً گرفته می شود (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۸). در گذشته اگر شیربها می گرفتند، در عقد نامه ها، مهریه یا پشت قباله نوشته نمی شد، اما امروزه باشلق و مهریه هر دو گرفته می شود (افشار سیستانی، ۱۳۶۸: ۶۳۸/۲).

### ۵-۲-۳- مراسم ازدواج

عادات و آداب مردم، فرهنگ و تمدن آنها، ارتباط تنگاتنگ با نظام خانوادگی آنها دارد و انسانهایی که در بستر هر جامعه با رفتار، گفتار، افکار، روحیه و ذوق و هنر خود فرهنگ های مختلفی را پدید می آورند، قبل از هر چیز، خود عضوی از نهاد خانواده هستند و منش و بینش آنها تا حدود برگرفته از کانون خانوادگی آنهاست. در ایل قشقایی، خواستگاری یا "سوچه" فرد یا افرادی هستند که دارای شخصیت بارز و شناخته شده و مورد احترام همه افراد جامعه ایلی و گاه از طبقه کلاتران و خوانین و ریش سفیدان است که بنا به دعوت خانواده پسر با اطلاع قبلی، این افراد که کلامشان موثر خواهد بود و خانواده دختر به درخواست آنها پاسخ منفی نخواهد داد، به منزل پدر دختر می فرستند در حقیقت این امر به حکم عرف و عادت انجام می گیرد و وقتی جواب مثبت شنیدند خانواده پسر خود را برای برنامه دیگری که شال و انگشتی نام دارد، آماده می سازند.

در مراسم شال و انگشتی، چند نفر از زنان فامیل هدیه ای را که معمولاً قطعه ای طلا یا چند قواره پارچه لباس بوده در جامه دان یا بقچه ای گذاشته و در یک روز تعیین شده به خانه دختر می بردند مادر دختر هم در آن روز تعدادی از فامیل نزدیک خود را دعوت می نماید و هنگام تحویل هدیه به عنوان مبارکباد با صرف شیرینی و کل زدن زنها، مجلس خاتمه می پذیرد (امان الهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۱۷-۱۱۳).

در مراسم عروسی، سوارکارانی به نام اخچی را به اطراف می فرستند تا میهمانان را دعوت کنند. جشن عروسی از سه روز تا دو هفته طول می کشد. پس از صرف غذا، کاروانی شامل سیصد سوار برای آوردن عروس به راه می افتند عروس را بر اسب سفیدی نشانده و سه بار به دور چادر خانواده اش برای خوشبخت شدن می چرخانند و بر اساس رسوم قشقایی، عروس را تنها سوار اسب نمی کند بلکه پسر بچه ای را پشت سرش می

نشانند، به این امید که فرزند اولش پسر باشد. چادر داماد را به همین مناسبت با فرش و جاجیم و نماد های روشنی و خوشبختی - کاسه ای آب و یک آینه - تزیین می کنند. همین که عروس به نزدیکی چادر داماد رسید، او برای دیدن عروسش بیرون می آید. در عروسی ها بیشتر مخارج بر عهده داماد است (ترز، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۸). عروسی بدون مراسم جشن (ساز و دهل) را عروسی کورکش یا کور می نامند و آن را موهن می شمرند. دختران ایل پس از ازدواج نیز بیشتر همان تعصب و علاقه شدید خود را به خانواده پدر حفظ کرده و اغلب در صورت وقوع منازعه و جنگ بین خانواده پدر و همسر، پدر و برادر را بر شوهر برتری می دهند (بهمن بیگی، ۱۳۲۴: ۷۳ و ۱۵)

#### ۵-۲-۴- انواع ازدواج و ابعاد اجتماعی آن

**ازدواج طبقاتی:** یکی از بزرگترین مشکلات در امر ازدواج، ازدواج طبقاتی است، چون هر گروه بایستی اجباراً از طبقه خاص خود زن بگیرند. بنابراین در ایل قشقایی دخترانشان را به طبقات دیگر نمی دهند مثلاً دختران ایلخان قشقایی حتی به مهم ترین و با نفوذ ترین کلانترها شوهر داده نمی شود و دختران کلانتر به نوبه خود، به کدخداها شوهر داده نمی شود و به همین دلیل دختران طبقات بالا در ایل قشقایی عموماً نمی توانند شوهر کنند. ازدواج پسران طبقات بالا با دختران طبقات پایین نیز بسیار مشکل است و والدین و خویشان راضی نمی شوند و این کار را برای خویش مایه ننگ می دانند و نسبت به جوانانی که بر خلاف میل خانواده با دخترانی از طبقات پست ازدواج کنند با تحقیر رفتار کرده و گاهی حتی از خانواده طردشان می کنند (ایوانف، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۷۹). طبقات عادی طوایف هم با گروه های کاسب وصلت نمی کنند و این طبقات را هم شأن خود نمی دانند (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰).

**ازدواج درون گروهی:** بیشتر ازدواجها در ایل قشقایی درون فامیلی است. از عوامل، ارجحیت ازدواج درون گروهی بر برون گروهی، تمایل به حفظ اسرار خانوادگی، حفظ ثروت و اموال و جلوگیری از خروج آن از فامیل است و فرد فامیل وصله ی تن تصور می شود. ازدواج با بیگانه، موجب می شود تا مقداری از ثروت و قدرت خانواده به بیرون از گروه منتقل شود. آشنایی کامل به روحيات و زندگی یکدیگر در بین اعضای یک فامیل، صمیمیت و هم آهنگی و بالاتر از آن تعصب فامیلی، نیز از عواملی است که ازدواج درون گروهی را ترجیح می دهد (نوذری، ۱۳۷۶: ۹۶).

**ازدواج برون گروهی:** این ازدواج بیشتر به دلیل هدفهای سیاسی و اقتصادی انجام می شود. مردم ایل برای داشتن قدرت زیاد سعی می کنند از دیگر طوایف زن بگیرند و یا به طایفه ای دیگر دختر بدهند تا پشتیبان آنها باشند. نظر به اینکه ایل قشقایی قدرتی متحد و کارآمد بود و در صحنه حوادث سیاسی جنوب ایران نقشی اساسی داشت، خاندان قوام الملک به دنبال ایجاد ارتباط حسنه با سران آن ایل، از طریق پیوند های زناشویی بودند و در سال ۱۳۰۲ ه.ق. حبیب الله خان ( که بعدها قوام الملک چهارم گردید) با دختر نصرالله خان ایل بیگی ازدواج کرد (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۲: ۲۴۸). از نظر نژادی هم اعتقاد مردم بر این است که اگر مرد، دختری از خانواده دور با خصوصیات اخلاقی متفاوت انتخاب کند، فرزندان شجاع و جنگجو خواهند داشت. از نمونه آن، ازدواج جانی خان، اولین ایلخانی رسمی قشقایی با نازلی بی بی، دختر حسین آقا کلهر از خوانین کشکولی است که صاحب فرزندان بسیار لایق و رشید گشتند که هر کدام در شجاعت و رشادت نابغه عصر خود بودند ( قهرمان ابیوردی، ۱۳۷۳: ۸۱). این ازدواج خوش یمن، ایلخانی های بعدی قشقایی را نیز ترغیب به ازدواج با خانواده خوانین کشکولی نمود به گونه ای که " در میان ایل قشقایی یک اصل مسلم خانوادگی شده است که بی بی بزرگ، که زن ایلخانی است باید از طایفه خوانین کشکولی باشد و اگر غیر از این باشد آن آبرو و اعتبار و اهمیت ایلی را ندارد و رگ مادری فرزندان ایلخانی ضعیف و کم خون می شود" (روزنامه استخر، ۱۳۲۷: ۴).

**ازدواج خونبها:** نوعی ازدواج اجباری است که به جهت حیثیت و مصونیت جانی و موقعیت اجتماعی طوایف انجام می گیرد. گاهی بر اثر اختلاف شدید و درگیری، که موجب مقتول شدن فردی می شود. برای اینکه زد و خورد ها تکرار نشود و تعداد مقتولین افزایش نیابد، با واسطه عده ای از سران ایل، دختری از خانواده قاتل را با انتخاب خانواده مقتول به عنوان خونبها به یکی از جوانان خانواده مقتول که معمولاً برادر یا پسر اوست می دهند تا صلح و آرامش در میان خانواده ها برقرار شود. ازدواج خونبها در طبقات بالای اجتماع ایلی کمتر دیده می شود، زیرا قتل ها و درگیری ها با گذشت و بزرگمردی ها و یا با جبران خسارت مادی به پایان می رسد و اجازه نمی دهند به مسئله ازدواج اجباری برسند. اما مسئله مهمی که در گرفتن خونبها همیشه با مشکلاتی مواجه بوده، اختلاف طبقات بین خانواده قاتل و مقتول است. زیرا اگر قاتل از بزرگان و کدخدایان بوده و مقتول که از افراد عادی ایل است، حاضر به صلح بدون خونبها نشود و بخواهد فقط انتقام بگیرد برای کدخدا اگرچه این کار حقارت است ولی باید تسلیم شود (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۷۴-۲۷۲) که در این موارد دخترش را به برجسته ترین و با نفوذترین مرد خانواده مقتول، شوهر می دهد و اگر

قاتل و مقتول از طبقه واحدی باشند یا اختلاف طبقاتی شان ناچیز باشد، به عنوان رفع خونخواهی عقد دختری از خانواده قاتل با برادر مقتول، پسر یا قوم و خویش نزدیک دیگری رواج دارد این روش رفع خونخواهی، وصلت نام دارد که به معنی پیوند و قوم و خویش شدن است (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۲۷).

### ۵-۳- کارکرد خانواده

خانواده در ایلات و عشایر کارکردهایی دارند که مطالعه ی آن از دیدگاه جامعه شناسی اهمیت خاصی دارد که مهمترین آن عبارت اند از :

**کارکرد تولید مثل:** فرزند آوری و بزرگ کردن آنان یکی از مهمترین و اصلی ترین وظیفه ی خانواده ی عشایری است. جامعه ی عشایری به داشتن فرزندان زیاد رغبت دارند و چندان توجهی به کنترل موالید ندارند که هدف و کارکرد عملی آن جانشین کردن اعضای جامعه و استمرار نسل مختلف از طریق زاد و ولد طبیعی است. مردم ایلات معتقدند هر کودکی که دنیا می آید، یک دهان برای خوردن دارد، ولی دو بازوی آهنین و یک مغز متفکر و پولادین برای تولید، ایلاتی ها هر فرزند را یک بازوی توانا برای پدر و کمک به امر معاش می دانند (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۱۰).

**کارکرد جامعه پذیری و هویت اجتماعی:** خانواده اولین محیط برای تعلیم و تربیت کودک است. در جامعه ی عشایری به علت فقدان مؤسسات اجتماعی، اجتماعی کردن بیشتر توسط خانواده صورت می گیرد و پایگاه فرد مبتنی بر پایگاه اجتماعی خانواده ی اوست و فرد هویت اجتماعی خود را از خانواده کسب می کند. در این ساختار پدر سالاری، فرزندان از پدر نسب می برند و در پیوند با پدر، هویت اجتماعی می یابند و عضو دودمان و تیره یا طایفه پدر شناخته می شوند.

**کارکرد اخلاقی و مذهبی:** ارزش های اخلاقی در تثبیت و دوام جامعه ی ایلی نقش مؤثری دارند. به دلیل عدم وجود سازمانها و نهادهای مذهبی در عشایر، خانواده ایلی، عامل القای این ارزشهاست و کار آموزش دینی افراد را انجام می دهد.

**کارکرد عاطفی و حمایت و مراقبت از اعضاء:** فقدان بیماری های روحی و روانی در میان عشایر ناشی از قوت کارکرد عاطفی خانواده است. خانواده در هر جامعه مأمنی برای اعضای خود است و این امر در خانواده عشایری با وضوح بیشتری مشاهده می شود زیرا که در این جامعه، خانواده به عنوان درون گروهی در مقابل تجاوزات و تهدیدهای برون

گروهی دیگر عمل می کند. خانواده در زمینه های روانی، شغلی، اقتصادی، اجتماعی و جانی اعضای خود را مورد حمایت قرار می دهد

**کارکرد تنظیم روابط جنسی:** عشایر هر گونه روابط جنسی خارج از خانواده را ممنوع می دانند بنابراین تنظیم روابط جنسی و مشروعیت بخشیدن به تمایلات جنسی توسط خانواده صورت می گیرد.

**کارکرد اقتصادی:** خانواده ی عشایری یک واحد تولید و مصرف است که قسمت اعظم تولیدش را خود مصرف می کند (امان اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۳۸-۱۴۰).

#### ۵-۴- انواع خانواده

نظام خانوادگی بر دو نوع است: خانواده ی هسته ای و خانواده ی گسترده (بهنام، ۱۳۸۳: ۲۵). خانواده ی هسته ای از زن و شوهر و احتمالاً فرزند یا فرزندان چند تشکیل می شود. این خانواده معمولاً جدا از والدین یا اقوام زوجین زندگی می کند. تصمیمات اساسی آن از طریق تبادل نظر بین اعضا اتخاذ می شود (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۴۲۰). خانواده گسترده که معمولاً بر اساس نظام پدرسالاری اداره می شود، که از پدر و مادر و فرزندان و نوادگان تشکیل یافته و چند نسل و چه بسا بستگان نسبی و سببی دورتر را در بر می گیرد (طیبی، ۱۳۷۱: ۲۰۲). تصمیم گیری در این نوع خانواده با سالخوردگان است و سایر اعضا مجبورند از آنها اطاعت کنند (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۰: ۳۶۹). در ایل قشقایی هر دو نوع خانواده هسته ای و گسترده دیده می شود ولی اکثریت با خانواده گسترده است که ناشی از زندگی نسل های متوالی در کنار هم بوده است نه حاصل تعدد زوجات (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۳۳). در محیط ایلی به خاطر دفاع از چراگاهها و دام ها، اعضای یک دودمان و قبیله ناگزیرند بصورت یک واحد نظامی با هم متحد شوند. خروج از قبیله باعث ضعف قبیله و دودمان می شود (امان اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۲۳).

#### ۵-۵- روابط خانوادگی و خویشاوندی

در خانواده ی عشایری توزیع قدرت به صورت عمودی است و پدر در رأس قرار دارد که تقریباً همه ی تصمیمات مربوط به خانواده را بر عهده ی پدر خانواده است. در جامعه ایلی، کمی امنیت، عوامل نامساعد طبیعی، ضرورت های تولید مبتنی بر کوچ و دشواریهای ناشی از

آن و اتکای این نوع زندگی به قدرت جسمانی مردان، پدرسروزی و پدرسالاری را ضروری می‌سازد و در نتیجه پدر نه تنها عامل تفاهم و انسجام در خانواده است، بلکه اعضای خانواده را نیز تحت اقتدار خویش در می‌آورد.

زنان قشقایی نیز، پدر سالاری را اساسی‌ترین سازمان جامعه خود می‌دانند (همان: ۲۹۵) و در عین تابعیت از شوهر، نقش کلیدی در امور خانواده دارند. ایوانف در این زمینه می‌نویسد: "هیچ کجا در کشور های مسلمان، زنان به قدر قشقایی‌ها در خانواده و در زندگی طایفه چنین موقعیت مهم و معتبری ندارند" (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۹). زن در جامعه ایلی اگر چه به ظاهر خانه دار و زیر سلطه مردان است اما در این چارچوب نظام سنتی محصور تحت عنوان مونس، مشاور، مادر و مربی بر خانواده حاکم است. زنان بخصوص در طبقات بالای ایل در مسائل سیاسی و اجتماعی نقش دارند. تدبیر و فداکاری و کاردانی زنان ایل گاهی موجب جلوگیری از جنگ میان دو طایفه و نجات خانواده‌ها می‌شود. فرزندان نیز به نوبه خود از والدین اطاعت و فرمانبرداری می‌کنند که حتی بعد از ازدواج هم ادامه دارد (کیانی، ۱۳۷۶: ۲۳۲ و ۳۰۱).

در جامعه ایلی، نظام خویشاوندی بر رابطه میان گروه‌های نسبی و سببی استوار است و اصل پدرسالاری، شکل غالب در ساختار خویشاوندی است. نظام خویشاوندی در جامعه ایلی، وظیفه و نقش بسیار مهمی در همبستگی شاخه‌های ایلی با یکدیگر دارد و استواری و دوام آن، انسجام و یکپارچگی سازمان اجتماعی ایل و استمرار و بقای آن را تضمین می‌کند به همین دلیل، روحیه برابری و رفاقت و برادری در میان قشقایی‌ها، بسیار قابل توجه است. معمولاً با افراد ایل خودشان ازدواج می‌کنند، در نتیجه تقریباً همه با هم خویشاوندند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۶۹). اغلب خانان نیز براساس همین رابطه خویشاوندی، نسبت به زنان ایل و رعایای خود تعصب و غیرت فوق العاده‌ای داشتند (رکن زاده، ۱۳۷۰: ۳۵۰).

## ۵-۶- ارث

در ایل قشقایی مردان فرمانروا و زنان فرمانبردارند، بنابراین از نظر ثروت، تملک زن و مرد مساوی نیست (کیانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). در بیشتر مواقع، تقسیم ارث براساس سنت نامکتوب و مبتنی بر عرف ایلی است. پدر در خانواده از اقتدار بسیاری برخوردار است و در نتیجه پسران صاحب اختیار و وارث اصلی اقتدار و اموال و دارایی پدرند.

پسران، اگر در سن بلوغ باشند معمولاً در زمان حیات پدر، تقسیم ماترک را انجام می دهند و برای دختر عموماً بخشش آن به برادر پسندیده تلقی می شود بویژه اگر برادران چنین زنی افراد شایسته ای بوده و خود نیز دارای تمکن کافی باشند. زیرا تقسیم ارث در میان دختران، توان اقتصادی خانواده و در نتیجه طایفه را که بر نظام پدر سالاری استوار است، کاهش می دهد (نوذری، ۱۳۷۶: ۱۰۱). به همین دلیل، زنان قشقایی هیچگاه به دنبال سهم الارث پدر نیستند و شوهر هم زینده نمی بیند که از مال و دارایی زن استفاده نماید. با این وجود، در خانواده های ثروتمند که املاک پدر زیاد است پدران در زمان حیاتشان سهم دختر را جدا می کنند (کیانی، ۱۳۷۶، ۲۹۸).

#### ۵-۷- نقش زنان در اقتصاد خانواده

ایل قشقایی در اقتصاد استان فارس نقش عمده ای دارند. آنها فراورده های لبنی و مواد مورد نیاز شهرها و روستاها را تولید می کنند (ابرلینگ، ۱۳۸۳: ۹). قشقایی ها، که یکی از پیشرفته ترین قبایل فارس هستند، بهترین فرش بافان به شمار می روند، فرش های این ایل را "ترکی شیرازی" می نامند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۵۴). این قالی ها و قالیچه ها، که بر روی کارگاه های بافندگی متحرک و بصورت افقی بافته می شود، کار زنان و دختران جوانی است که به هنگام کوچ ایل، کارگاه را جمع و به هنگام اتراق آن را دار می کنند. تار و پود این قالی ها همیشه از پشم خالص است و کرک های آن جلوه خاص دارد و بسیار براق است. این آثار هنری زیبا را زنان هنرمند، از نسل های پیشین خود به ارث برده اند (Garrod, 1946: 39).

ایل قشقایی بهترین فرش هایشان را در چادر هایشان نگه می دارند یا در عروسی و جشن ها هدیه می دهند (ترز، ۱۳۷۶: ۱۵۴) هنر بافندگی نزد ایل قشقایی ارزش بسیاری دارد: زنی که این چنین نقشه هنر بافت باید سر بیاید جمله زر بافت (دانشور، ۱۳۷۴: ۵۷).

زن در نظام ایلی نقش تعیین کننده ای داشته و بدون او، خانواده نمی تواند چرخش مطلوبی داشته باشد. ابرلینگ در مورد کار زنان و مردان می نویسد: "در بین قشقایی ها هم، مانند سایر ایلات، بیشتر زحمات بر دوش زنان است، زنان یک ساعت پیش از طلوع آفتاب بیدارند و تا نه شب مشغول کار هستند. این در حالی است که مردان دور بر هم نشسته اند و از هر دری سخن می گویند و قلیان می کشند. البته عدم فعالیت مردان هم هر از گاهی با فعالیت های خشنی مانند شکار، سرقت یا تعقیب سارقین جبران می شود" (ابرلینگ ۱۳۸۳: ۱۳). ترز نیز می نویسد: "زنان فعالتر از مردان کار می کنند؛ یکی از وظایف زنان، نظارت

بر حمل و توزیع مواد غذایی در حین کوچ است و همراه مردان اسب سواری می‌کنند. نقش فعالی که زنان در زندگی ایلی دارند موجب شده با آنان به احترام رفتار شود و سخنان شان را گوش دهند" (ترز، ۱۳۷۶: ۱۷۱ و ۱۷۸). زنان و دختران ایل علاوه بر کار منزل و پختن غذا و بافتن قالی و گلیم، در سوار کاری و تیر اندازی کمتر از مردان ایل قشقایی نمی‌باشند (دانشور، ۱۳۷۴: ۱۳۸). گارود گزارش می‌دهد: "افراد ایل قشقایی صفات ممتازی دارند؛ از جمله برخورداری از هنر، به گونه‌ای که حتی وسایل روزمره را به شکلی زیبا می‌سازند. پابندی بسیار به زندگی خانوادگی که زنان نقش عمده‌ای در آن دارند و سرانجام، با توجه به پیشرفت زیاد ایل در مقایسه با ایلات مجاور که کمتر قرین کامیابی بوده‌اند میتوان اطمینان داشت که قشقایی‌ها به اوج تمدن چادر نشینی خواهند رسید (Garrod, 1946: 302).

#### ۵-۸- طلاق

طلاق در بین کوچ نشینان عملی زشت و ناپسند تلقی می‌شود و افکار عمومی جامعه ایلی، مردی که اقدام به طلاق همسر نماید، محکوم می‌کند. زیرا وجود زن، دوام زندگی ایلی را تضمین می‌کند. مردی که زن خود را طلاق دهد در ازدواج مجدد دچار مشکلات فراوانی می‌شود (نوذری، ۱۳۷۶: ۹۷). ایوانف گزارش می‌دهد اگر در بین قشقایی‌ها مردی زنش را طلاق دهد، اقوام زن می‌توانند مرد را بدون مجازات بکشند، چرا که طلاق اهانت به خانواده زن مطلقه است (ایوانف، ۱۳۸۵: ۲۱۶). علاوه بر این، مهم‌ترین عامل کمبود طلاق در ایل، مخارج سنگین عروسی و شیربهای گرانبه‌ای است که باعث شده نتوانند زنها را به سادگی طلاق دهند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۶۰: ۱۲۶). اگر چه طلاق در ایلات و عشایر بسیار کم است ولی کاملاً منع نمی‌شود بلکه زن و مرد در مواردی می‌توانند از یکدیگر جدا شوند. این موارد برای مردان عبارتند از: خیانت، عدم تمکین و بدرفتاری زن. زنان نیز در صورت وجود شرایطی می‌توانند از مردان طلاق بگیرند از جمله: بدرفتاری بیش از حد معمول شوهر، ضعف جنسی شوهر و عدم توانایی مرد در رفع نیاز مادی خانواده (نوذری، ۱۳۷۶: ۹۹).

#### ۶- نتیجه‌گیری



ایل قشقایی به عنوان یک نظام عشایری، با ساختاری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، دارای تاریخی کهن و نظامند است که بر خانواده و اصالت آن تکیه می‌کند و بر اساس قواعد خود، در جهت شرایط زندگی کوچ نشینی شکل گرفته است. خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و هسته اصلی ایل قشقایی است که در حیات و بقا آن نقش اساسی دارد. در خانواده مرد از اقتدار ویژه ای برخوردار است و تصمیم گیرنده نهایی است و زن نیز در عین تابعیت، نقش تعیین کننده ای در نظام ایلی داشته و بدون او، امور خانواده نمی‌تواند چرخش مطلوبی داشته باشد. یکی از کارکردهای مهم خانواده، تولید مثل است که فرزندان ذکور به علت نقش اقتصادی، نظامی و سیاسی و حفظ نسل خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند. در ایل قشقایی نظام طبقاتی حاکم در امر ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کند. ازدواج صرفاً پیوند دو فرد نیست، بلکه پیوند دو گروه اجتماعی است. خانواده به ظاهر مستقل است ولی تحت تسلط واحد وسیع تری مانند بنکو، تیره، طایفه و غیره قرار دارد. از لحاظ ساختاری، خانواده؛ گسترده، تک همسر، پدر سالار، و درون همسراست که سنن تاریخی خود را، در زمینه ازدواج و روابط بین اعضای خانواده به خوبی حفظ نموده است.

## منابع

- آصف، محمد هاشم (۱۳۵۲). *رستم التوارینخ*، محمد مشیری، تهران: امیر کبیر.
- آیت‌اللهی، سید علیرضا (۱۳۷۵). *ایالات و عشایر فارس*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز
- ابرلینگ، پی‌یر (۱۳۸۳). *کوچ نشینان قشقایی فارس*، فرهاد طیبی پور، تهران: نشر و پژوهش شیراز.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۸). *مقدمه ای بر شناخت ایل ها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران*، ج ۲، تهران: نسل دانش.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰). *کوچ نشینی در ایران*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امیری، رزاق (۱۳۸۲). *تاریخ و فرهنگ مردم فراشیند*، شیراز: نوید شیراز.
- ایوانف، میخائیل سرگی یویچ (۱۳۸۵). *عشایر جنوب (عشایر فارس)*، کیوان پهلوان و معصومه راد، تهران: آرون.
- بهمن بیگی، محمد (۱۳۲۴). *عرف و عادت در عشایر فارس*، تهران: نوید.
- پیمان، حبیب‌الله (۱۳۷۴). *توصیف و تحلیلی از ساختمان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی*، تهران: دانشگاه تهران.
- تاپر، ریچارد (۱۳۸۷). *سازمان اجتماعی ایالات و عشایر ایران*، (تاریخ کمبریج)، مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی
- ترز، ماری (۱۳۷۶). *شهبازان کوهسار*، محمدشهبازی، تهران: پیراسته.

- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- حسینی فسایی، حسن (۱۳۶۷). *فارسنامه ناصری*، منصور رستگار فسایی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- دانشور، نوذر (۱۳۷۴). *نسیم کوهساران قشقایی*، شیراز: چاپخانه مصطفوی.
- رکن زاده (آدمیت)، محمد حسین (۱۳۷۰). *فارس و جنگ بین الملل*، تهران: اقبال.
- روزنامه استخر، سال ۱۳۲۷ق، شماره ۱۱۶۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). *مقدمه ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سپهر، محمد تقی بن محمد علی (۱۳۳۷). *ناسخ التواریخ*، جهانگیر قائم مقامی، تهران: امیرکبیر.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۶۲). *وقایع الاتفاقیه*، تهران: انتشارات نوین.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، حمید الیاسی، تهران: مرکز.
- شهاب یزدی، تاج الدین حسن (بی تا). *جامع التواریخ*، بی جا.
- صولت قشقایی، محمد ناصر (۱۳۶۶). *سالهای بحران، خاطرات روزانه محمد ناصر قشقایی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۳*، نصرالله حدادی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طیبری، حشمت‌الله (۱۳۷۱). *جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*، تهران: دانشگاه تهران.
- عسکری خانقاه، اصغر و کمالی، محمد شریف (۱۳۸۰). *انسان‌شناسی عمومی*، تهران: سمت.
- قهرمانی ایبوردی، مظفر (۱۳۷۳). *تاریخ وقایع عشایر فارس*، تهران: علمی.
- کیانی، منوچهر (۱۳۸۵). *تاریخ مبارزات مردم ایل قشقایی از صفویه تا پهلوی*، شیراز: کیان نشر.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۶). *سیه چادرها*، شیراز: کیان نشر.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی خانواده: تحلیل روزمره‌گی و فضای درون خانواده*، تهران: دانژه.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۷۶). *ایلات و کول‌های استان مرکزی*، شیراز: نوید.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۷). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: چاپخانه.
- هولتوس، شولتسه (۱۳۶۶). *سپیده دم در ایران*، مهرداد اهری، تهران: نو.

Beck, Lois (1986). "The Qashqai Of Iran". New Haven: Yale University press

Garrod, Oliver (1946), "The Qashqai Tribe of Fars", *Journal of the Royal central Asian Society* XXXIII, pp30-302.